

## فصل اول: زیبایی آفرینش (فارسی پایه نهم)

دیده ای نیست؛ نبیند رخ زیبای تو را      نیست گوشی که همی نشنود آوای تو را

امام خمینی (ره)

پروردگارا، هیچ چشم بینایی نیست که چهره‌ی زیبای تو را نبیند و هیچ گوش شنوایی نیست که صدای دلنشین تو را نشنود.

درس اول: آفرینش، همه تنبیه خداوند دل است.

### واژگان جدید

تنبیه :	عجب:	فکرت:
تسبیح:	اقرار:	لیل و نهار:
مستمع:	اسرار:	الوان:
حیران:	زرّین:	عنب:
حقّه:	تقدیر:	عزیز:
مسخرّ:	إنعام:	گوی:
رفتار:	معرفت:	

### تاریخ ادبیات

امام خمینی (ره): کلیات سعدی: اسرارالتوحید:

### بازگردانی شعر «آفرینش همه تنبیه خداوند دل است»

۱. در آن صبحگاهی که شب و روز، برابر است؛ رفتن به دامن صحرا و تماشای زیبایی‌های بهار، خوش و لذت‌بخش است.

۲. همه آفرینش و پدیده‌های آن، برای اهل دل و صاحبان معرفت، آگاهی‌بخش و بیدارکننده است. به یقین، آن کسی که به وجود خداوند، اقرار و اعتراف نکند؛ اهل دل نیست و بی‌احساس و بی‌روح است.

۳. با وجود این همه نقش‌های عجیب و شگفت‌انگیز که در عالم هستی وجود دارد؛ هر کس، اندیشه و تفکر نکند؛ مانند نقش و تصویری بی‌جان بر در و دیوار است.

۴. کوه و دریا و درختان و همه‌ی موجودات هستی، در حال تسبیح و ستایش خداوند هستند؛ اما هر شنونده‌ای این اسرار را درک نمی‌کند.

۵. آیا خبر داری که پرندگان سحرگاهی به هنگام آوازخوانی می‌گویند: ای انسان غافل و خفته، دست از خواب جهالت و بی‌خبری، بردار و بیدار شو؟

۶. آخر تا کی می‌خواهی مانند گل بنفشه، در غفلت و بی‌خبری به سر ببری؟ حیف است که تو در خواب بمانی و گل نرگس آگاه و بیدار باشد.

۷. چه کسی جز خدا می‌تواند میوه‌های متنوع و رنگارنگ را از چوبی خشک و گل‌های زیبای صد برگ را در کنار خارهای تیز و برنده بیافریند؟

۸. عقل آدمی از تماشای خوشه‌ی زرّین انگور، سرگشته و حیران می‌شود و فهم او از درک دانه‌های زیبای انار که مانند صندوقچه‌ای از یاقوت‌های سرخ و گرانبها است؛ عاجز و ناتوان می‌ماند.

۹. خداوندی که با فرمان بزرگ و ارجمندش، ماه و خورشید و شب و روز را رام و مطیع خود ساخته، پاک و بی‌عیب است.

۱۰. اگر همه‌ی مخلوقات تا روز قیامت درباره‌ی گرم و بزرگواری و رحمت و بخشش خداوند، سخن بگویند؛ باز هم یکی از هزاران لطف او گفته نخواهد شد.

۱۱. بار خدایا، نعمت‌های تو بیش از حدّ شمارش است و هیچ شکرگزاری هرگز نمی‌تواند شکر نعمت‌های تو را به جا آورد.

۱۲. ای سعدی، درستکاران به سعادت و خوش‌بختی دست می‌یابند؛ پس تو نیز درستکار باش تا به سعادت و خوش‌بختی دست یابی و بدان که هرگز بار کج به مقصد نمی‌رسد.

## دانش ادبی

زبان چیست؟ زبان، نظامی پیچیده برای **انتقال پیام** و **ایجاد ارتباط** است.

ادبیات چیست؟ بیان هنری زبان با کمک **آرایه‌های ادبی** را ادبیات می‌گویند.

ادبیات را **زبان هنری** یا **زبان برتر** می‌نامند و شعر، جلوه‌ای از زبان ادبی است. زبان نثر و نظم به کمک آرایه‌های ادبی، زیبا و هنری می‌شود. در سال‌های گذشته با برخی از آرایه‌های ادبی مانند « تشبیه، تشخیص، تلمیح، مراعات نظیر و ... » آشنا شدیم.

**مراعات نظیر:** آوردن واژه‌هایی هماهنگ که از یک دسته باشند، در کنار یکدیگر و در یک بیت یا یک مصرع را مراعات نظیر گویند. این هماهنگی می‌تواند از نظر جنس، نوع، مکان، زمان یا همراهی باشد.

کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند      نه همه مستمعی فهم کند این اسرار

**تشخیص یا شخصیت‌بخشی:** بخشیدن صفتی انسانی به اشیا یا دیگر جانوران را آرایه‌ی تشخیص می‌گویند.

جوجه‌های کبوتران گفتند:      کاش می‌شد کنار هم باشیم

**تلمیح:** تلمیح که در لغت به معنی با گوشه چشم نگریستن است؛ از جمله آرایه‌های ادبی است که در آن نویسنده یا گوینده در ضمن نوشتار یا گفتار خودش به آیه، حدیث، داستان، یا مثل قرآنی یا [معروفی] اشاره داشته باشد.

گلستان کند آتشی بر خلیل      گروهی بر آتش برد ز آب نیل

**تشبیه،** از چهار رکن درست شده است. **مشبه(رکن اول)**، **مشبه‌به(رکن دوم)**، **ادات تشبیه و وجه شباهت** ارکان تشبیه هستند. **مشبه و مشبه‌به ارکان اصلی و ادات تشبیه و وجه شباهت، ارکان فرعی** هستند. ارکان فرعی را می‌توان حذف کرد اما تشبیه، بدون ارکان اصلی ساخته نمی‌شود.

خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند:      آخر ای خفته سر از خواب جهالت بردار

**خواب جهالت:** **جهالت** مانند **خوابی** است که ما را در بی‌خبری فرو می‌برد.

۱. مشبه: جهالت

۲. مشبه‌به: خواب

۳. ادات تشبیه: مانند

۴. وجه شباهت: فرو رفتن در بی‌خبری

**نکته:** هرگاه شاعر از چهار رکن تشبیه، ارکان فرعی را حذف کند و با ارکان اصلی، ترکیبی اضافی بسازد؛ **اضافه تشبیهی** ساخته است.

**نکته:** انواع ترکیب در زبان فارسی به دو نوع اصلی تقسیم می شوند.

۱. ترکیب وصفی: موصوف + صفت

۲. ترکیب اضافی: مضاف + مضاف‌الیه

**نکته:** راه‌های شناخت ترکیب وصفی و اضافی عبارتند از:

۱. افزودن پسوند «تر» یا «ترین» مثل: گل زیباتر یا زیباترین گل

۲. افزودن «ی» بین موصوف و صفت مثل: گلی زیبا

۳. برداشتن کسره‌ی اضافه از بین موصوف و صفت و اضافه کردن فعل «است» بعد از صفت، مثل:

گل، زیبا است.

در صورتی که یکی از روش‌های بالا، معنی‌دار باشد؛ ترکیب، وصفی و در غیر این صورت ترکیب، اضافی خواهد بود. مثال:

۱. انار سرخ = ترکیب وصفی      انار ساوه = ترکیب اضافی

۲. سرباز باغیرت = ترکیب وصفی      سرباز وطن = ترکیب اضافی

یکی از انواع ترکیب اضافی، اضافه تشبیهی است. اضافه تشبیهی از ترکیب مشبه و مشبه‌به ساخته می‌شود. مثل: خواب جهالت، درخت دانش، دریای علم و ...

**جهالت** مانند خواب، موجب بی‌خبری است.

**دانش** مانند درختی پر ثمر است.

**علم** مانند دریایی عمیق و پهناور است.

## تکالیف

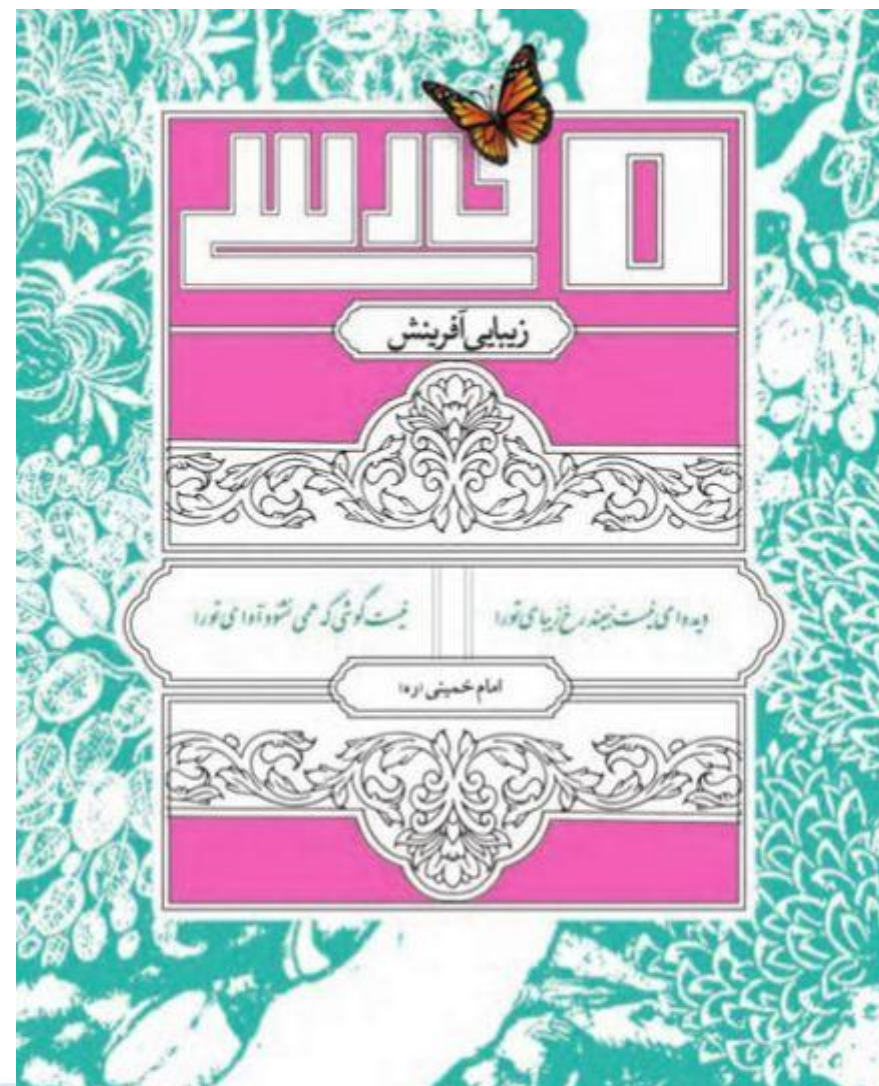
۱. معنی واژگان جدید را از واژه‌نامه پایان کتاب بیابید و در دفتر پاک‌نویس خود بنویسید.

۲. درباره‌ی امام خمینی(ره)، کلیات سعدی و اسرارالتَّوحید از بخش فهرست اعلام اشخاص و آثار پایان کتاب، تحقیق کنید و نکات مهم را در دفتر پاکنویس خود یادداشت کنید.
۳. متن درس را با دقت بخوانید و خودارزیابی‌های صفحه ۱۴ را پاسخ دهید.
۴. فعالیت‌های نوشتنی صفحه ۱۵ را پاسخ دهید.

دیده ای نیست نبیند رخ زیبای تو را  
نیست گوش‌ی که همی نشنود آوای تو را

**دانش ادبی:** آرایه تشخیص دارد. شاعر به چشم و گوش قدرت و شخصیت انسانی داده است. «دیده» و «گوش» مجاز از انسان است.

**مفهوم:** جلوه‌های وجود خداوند در سراسر عالم قابل دیدن هستند.





## آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

درس اول



۴ باداوی که تفاوت کند لیل و نهار  
آفرینش همه تنبیه خداوند دل است  
این حد نیش جیب بر در و دیوار وجود  
کوه و دریا و درختان ، حد در تسبیح اند  
۵ نیرت هست که مرغان سر می گویند ؛  
تا کی آخر چو بنفشه سر عظمت در پیش ؟  
که تواند که وحد میوه الهوان از چوب ؟  
مثل - حیران شود از خوشه زترین شب  
پاک و بی جیب خدایی که به تقدیر عزیز  
۶ تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او  
تعمتت بار خدایا ، ز عدد بیرون است  
سعدی را راست روان گویی سعادت بردند

کلیات سعدی، بخش قصاید

### توضیحات:

شعر «آفرینش همه تنبیه خداوند دل است» از بخش مواعظ (جمع موعظه، به معنی پندها و اندرزها) از کتاب بوستان انتخاب شده است. اصل شعر، دارای چهل و سه بیت و با نام «وصف بهار» سروده شده است.

بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار  
خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

**آرایه های ادبی:** «لیل» و نهار آرایه تضاد و «بهار» و «نهار»  
آرایه جناس دارند.

**توجه:** تفاوت نکردن لیل و نهار، اشاره به مساوی بودن طول  
شب و روز دارد که دوبار در سال یکی ابتدای بهار و  
دیگری ابتدای پاییز اتفاق می افتد.

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است  
دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

**آرایه های ادبی:** واج آرایبی در حرف «د» وجود دارد. «که» و  
«به» آرایه جناس و «دل» مجاز از احساس و عاطفه است.  
آرایه تکرار در واژه های «دل» و «ندارد» دیده می شود.  
**نکته دستوری:** آفرینش (آفرین + ش) = اسم مشتق است.  
«که» در مصراع دوم به معنی کسی که، ضمیر مبهم است.

۱ بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار  
آفرینش همه تنبیه خداوند دل است  
این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود  
کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح اند  
۵ خبرت مست که مرغان حرمی گویند:  
تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش؟  
که تواند که صد میوه المان از چوب؟  
مثل جبران شود از خوش زرن صب  
پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز  
۱۰ تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او  
نعمت بار خدایا، ز عدد بیرون است  
عدیا، راست روان گوی سعادت برد

کلیات سعدی، بخش قصاید





این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود  
هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار

**آرایه های ادبی:** «در» و «دیوار» تناسب و مراعات نظیر دارند. «دیوار وجود» اضافه تشبیهی و «بر» و «در» جناس دارند.

**توجه:** «ت» در فکرت، ضمیر نیست؛ بلکه مربوط به خود واژه «فکرت» است.

کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح اند  
نه همه مستمعی فهم کند این اسرار

**آرایه های ادبی:** «کوه» و «دریا» و «درختان» آرایه مراعات نظیر دارند. این بیت تلمیح دارد به آیه چهل و چهار سوره اسراء دارد. «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا»

۱	بمادومی که تفاوت کند لیل و نهار آفرینش هر تنیده خداوند دل است این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح اند
۵	خبرت مست که مرغان حرمی گویند؛ تا کی آخر چو پیش سر غفلت در پیش؟ که تواند که صد میوه المان از چوب؟ مصل جبران شود از خوش زدن صب پاک و بی صب خدایی که به تقدیر عزیز تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او نعمت بار خدایا از عدد بیرون است عددا را راست روان گوی سعادت ببرد

کلیات سعدی، بخش قصاید



خبرت هست که مرغان سحر می گویند  
آخر ای خفته، سر از خواب جهالت بردار؟

**آرایه های ادبی:** «خواب»، «سحر» و «خفته» مراعات نظیر دارند. «سر» و «سحر» جناس دارند. «خواب جهالت» اضافه تشبیهی و «سر از خواب برداشتن» کنایه از آگاهی و بیداری است.

**نکته دستوری:** «ت» در «خبرت» نهاد است. «خفته» صفت جانشین اسم است. ← ای (انسان) خفته.

تا کی آخر چو بنفشه، سر غفلت در پیش  
حیف باشد که تو در خوابی و نرگس، بیدار

**آرایه های ادبی:** «بنفشه» و «نرگس» مراعات نظیر دارند. چو بنفشه «تشبیه» دارد. «در» و «سر» جناس دارند. «بنفشه» در این بیت، نماد غفلت و سرافکنندگی و «نرگس» نماد بینایی و آگاهی است. «سر غفلت در پیش گرفتن» نیز کنایه دارد.

۱ باداوی که تفاوت کند لیل و نهار  
آفرینش هر تیبه خداوند دل است  
این هر نفس عجب بر در و دیوار وجود  
کوه و دریا و درختان، هر در تسبیح اند  
۵ خبرت مست که مرغان سحر می گویند؛  
تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش؟  
که تواند که صد میوه انوان از چوب؟  
مثل جبران شود از خوش زرن صب  
پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز  
۱۰ تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او  
نعمت بار خدا یا از عدد بیرون است  
عدباراست روان گوی سعادت بردد

کلیات سعدی، بخش قصاید



که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟  
یا که داند که برآرد گل صدبرگ از خار؟

**آرایه های ادبی:** «چوب» مجاز از درخت است. «گل» و «خار» تضاد دارند.  
**نکته دستوری:** هردو مصراع، استفهام انکاری است.

عقل حیران شود از خوشه زرین عنب  
فهم، عاجز شود از حقه یاقوت انار

**آرایه های ادبی:** «حیران شدن عقل» و «عاجز بودن فهم»  
آرایه تشخیص و «عنب» و «انار» مراعات نظیر دارند.  
«حقه یاقوت انار» اضافه تشبیهی است. (انار به صندوقچه  
پر از یاقوت تشبیه شده است.)

۱ باداوی که تفاوت کند لیل و نهار  
آفرینش هر تنیده خداوند دل است  
این هر نقش عجب، بر در و دیوار وجود  
کوه و دریا و درختان، هر در تنبج اند  
۵ نهرت مست که مرغان حرمی گویند؛  
تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش؟  
که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟  
عقل حیران شود از خوشه زرین عنب  
پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز  
تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او  
۱۰ نعمت بار خدایا، ز عدد بیرون است  
عددا را راست روان گوی سعادت ببرد

کلیات سعدی، بخش قصاید





پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز  
ماه و خورشید، مسخر کند لیل و نهار

**آرایه های ادبی:** «لیل» و «نهار» تضاد و «ماه» و  
«خورشید» مراعات نظیر دارند. این بیت، تلمیح به آیات  
۳۸ سوره «یس» و ۳۳ سوره «ابراهیم» دارد.

تا قیامت سخن اندر گرم و رحمت او  
همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار

**آرایه های ادبی:** «یکی» و «هزار» آرایه تناسب و  
«گویند» و «گفته نیاید» تضاد دارند.

«یکی از هزاران گفته نمی شود» کنایه از «بسیاری و  
فراوانی» است و اشاره و تلمیحی به آیه ۱۰۹ سوره کهف  
دارد. «قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ  
تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا»

۱ باداوی که تفاوت کند لیل و نهار  
آفرینش هر تنیده خداوند دل است  
این هر نفس عجب، بر در و دیوار وجود  
کوه و دریا و درختان، هر در تسبیح اند  
۵ خبرت مست که مرغان حرمی گویند؛  
تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش؟  
که تواند که صد میوه الموان از چوب؟  
مثل جبران شود از خوش زرن صب  
پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز  
۱۰ تا قیامت سخن اندر گرم و رحمت او  
نعمت بار خدا یا از عدد بیرون است  
عددا را راست زوان گوی سعادت برون

کلیات سعدی، بخش قصاید



نعمت بار خدایا، ز عدد بیرون است  
شکر انعام تو هرگز نکند شکر گزار

**آرایه های ادبی:** «نعمت»، «شکر»، «انعام» و «شکر گزار»  
مراعات نظیر دارند. «ز عدد بیرون بودن» کنایه از «بی شمار بودن» است.

**نکته دستوری:** ضمیر دوم شخص پیوسته «ت» در «نعمت»  
مضاف الیه است.

سعديا، راست روان، گوی سعادت بردند  
راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار

**آرایه های ادبی:** «که» و «به» جناس دارند. «گوی سعادت»  
اضافه تشبیهی است و «گوی بردن» کنایه از «دست یافتن و  
سبقت گرفتن» است.

**نکته دستوری:** «سعدي» منادا و «ا» حرف ندا است. سعدي  
تخلص شاعر است.

۱ باداوی که تفاوت کند لیل و نهار  
آفرینش هر تیبه خداوند دل است  
این هر نفس عجب بر در و دیوار وجود  
کوه و دریا و درختان، هر در تسبیح اند  
۵ نهرت مست که مرغان حرمی گویند:  
تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش؟  
که تواند که عدد میوه انوان از چوب؟  
مثل جبران شود از خوش زرن صب  
پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز  
۱۰ تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او  
نعمت بار خدایا، ز عدد بیرون است  
سعديا، راست روان گوی سعادت بردند

کلیات سعدي، بخش قصاید





## پیام حکایت:

این حکایت که از زبان ابوسعید ابي الخیر نقل شده است و تاکید بر «خویشتن شناسی» و «تزکیه نفس» دارد و می گوید:  
شناخت واقعی، همان «خودشناسی» است.

## سفر حکایت

روزی پیر ما، با جمعی از همراهان به در آسیابی رسید افسار اسب کشید و ساعتی درنگ کرد؛ پس به همراهان گفت: «می دانید که این آسیاب چه می گوید؟، می گوید: معرفت این است که من در آنم. گرد خویشتن می گردم و پیوسته در خود سفر می کنم، تا هر چه نباید، از خود دور گردانم!».

اسرار التوحید، محمد بن منور

